



ترور روایت

علل و عوامل فتنه آمریکایی دی ماه
و مخاطرات تحلیل‌های غلط و انحرافی از آن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترور روایت

علل و عوامل فتنه آمریکایی دی ماه
و مخاطرات تحلیل‌های غلط و انحرافی از آن

خبرگزاری

عنوان گزارش:

ترور روایت

علل و عوامل فتنه آمریکایی دی ماه
و مخاطرات تحلیل های غلط و انحرافی از آن

نویسنده:

جعفر درونه

تاریخ گزارش: دی ماه ۱۴۰۴

مرکز مطالعات راهبردی خبرگزاری تسنیم

آدرس: تهران، خیابان جمالزاده، بالاتر از بلوار کشاورز، کوچه شیرزاد، پلاک ۱۲



انقلاب اسلامی به عنوان پدیده‌ای که شرق و غرب با خطای محاسباتی احتمال وقوع و پیروزی آن را نمی‌دادند شرایط جدیدی را در هندسه قدرت جهانی و خصوصاً در هندسه قدرت در منطقه به وجود آورد.

ماهیت و ویژگی‌های این انقلاب که ریشه در «استقلال نرم‌افزاری» آن دارد باعث شد از همان ابتدا استغنائی خود را از الگوپذیری از نظام‌های سیاسی غربی و شرقی اعلام کند.

انقلاب اسلامی «اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و اله» را پایه و اساس ساخت نظام سیاسی خود قرار داد و جمهوری اسلامی با دو شاخصه «ولایت فقیه» و «مردم‌سالاری دینی» که ضامن در هم آمیختگی «جمهوریت» و «اسلامیت» نظام هستند، متولد شد.

انقلاب اسلامی و نظام سیاسی برآمده از آن از همان ابتدا در معرض تند باد دشمنی‌های دشمنان خصوصاً کشورهای که چشم طمع به آن دوخته بودند قرار گرفت و در طول نزدیک به نیم قرن از حیات پربرتک انقلاب اسلامی مشاهده می‌شود که این دشمنی‌ها هنوز استمرار دارد و هر روز با شکل تازه‌ای رخ می‌نماید. در یک نگاه کلی می‌توان تشخیص داد نقاط تمرکز دشمنی‌ها بر «استقلال» ایران به عنوان عوامل «قوام» و «دوام» انقلاب اسلامی است که با تکیه به «اسلام»، «مردم» و «درهم آمیختگی اسلامیت و جمهوریت نظام» سد پولادینی در برابر تجدید سلطه استکبار جهانی در ایران عزیز ایجاد کرده‌است..

این دشمنی‌ها را دشمنان گاهی با تجهیز و تسلیح گروهک‌های تجزیه طلب، گاهی با ترور مقامات کشور برای فروپاشی سیاسی نظام، گاهی با کودتا، گاهی با درگیرسازی نظام اسلامی در جنگی تمام عیار توسط یکی از سرسپردگان و مزدوران خود، گاهی با تحریم اقتصادی، گاهی با تهاجم و شبیخون فرهنگی و تلاش برای استحاله نظام و فتنه خواص و گاهی با حمله مستقیم نظامی مانند آنچه در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه شاهد آن بودیم و گاهی با ایجاد آشوب و اغتشاشات خونین مانند آنچه در گذشته توسط گروهک مزدور منافقین و یا اقدامات تروریستی داعشی که

در دی ماه ۱۴۰۴ در خیابان‌های شهرهای مختلف کشور انجام شد، به ملت ایران تحمیل کرده‌اند.

اما آنچه باعث شده و می‌شود دشمنان در نیل به اهداف خود ناکام بمانند همواره شعور انقلابی و استقامت ایمانی و بصیرت مثال‌زدنی مردم ایران بوده است. سند این حقیقت را در راهپیمایی‌های پرشکوه ۲۲ بهمن هر سال و برخی یوم‌الله‌های تاریخی و حماسه‌ساز از جمله ۲۳ تیر ۷۸، ۹ دی ۸۸ و ۲۲ دی ۱۴۰۴ که دست قدرت خدا از آستین ملت آگاه و مقتدر ایران بیرون آمده و کمر فتنه و فتنه‌گران را شکسته‌است به عیان مشاهده کرد.

آنها به خوبی تشخیص داده‌اند تا مردمی که با انگیزه‌های اسلامی از جمهوری اسلامی به عنوان ضامن بقای ایران عزیز دفاع می‌کنند در کنار نظام باشند هیچ ترفند و توطئه آنان کارگر نخواهد افتاد لذا حداقل در یک دهه اخیر بیشترین تلاش خود را برای جداسازی مردم از نظام اسلامی و ایجاد دوقطبی بین مردم و نظام متمرکز کرده‌اند. چه در فتنه‌های کف خیابان با حمایت علنی و آشکار از فتنه‌گران و چه با تشدید تحریم‌های اقتصادی به اصطلاح فلج‌کننده علیه ملت ایران و در تنگنا قراردادن نظام اسلامی برای تأمین امنیت اقتصادی کشور و حل مشکلات معیشتی مردم.

این واقعیت همان جنگ نرمی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی ما را به مراقبت از فراخوانده و نسبت به خطرات و آسیب‌های آن هشدار می‌دهند.

«ما در گیرودار جنگ نرمیم.... جنگ نرم یعنی چه؟ یعنی با فریب، با دروغ، با تهمت، با وسوسه، با استدلال‌های مغالطه‌آمیز مردم را از آن راهی که دارند می‌روند مردّد کنند، در مردم تردید ایجاد کنند. این، جنگ نرم است. این جنگ امروز هم در جریان است؛ ... مراقب جنگ نرم باید بود، مراقب شبهه‌سازی دشمن باید بود، مراقب شایعه‌سازی دشمن باید بود. این پول‌هایی که خرج میشود - میلیاردها خرج میشود - برای فلان تلویزیون، فلان رادیو، فلان مرکز اطلاع‌رسانی و مانند اینها، و علیه ایران دائماً حرف‌های دروغ و خلاف منتشر میکنند، این بی‌جهت نیست، این با یک استدلال بسیار مهمی است؛ میخواهند داخل کشور را ضعیف کنند. دیدند که در جنگ دوازده‌روزه اتحاد

ملت، معجزه آفرین بود، می‌خواهند این اتحاد را به هم بزنند... مهم، بی‌تفاوت نبودن در مقابل جنگ نرم دشمن است؛ بی‌تفاوت نبودن در مقابل شایعه‌پردازی‌های دشمن است.^۱

آنچه به دشمن در جنگ نرم و جنگ شناختی کمک می‌کند تزریق تحلیل‌ها و روایت‌های غلط، بعضاً انحرافی و چه بسا مغرضانه از میدان کارزار انقلاب اسلامی با دشمنان قسم خورده ملت ایران است.

بر این اساس تقویت بنیه تحلیل‌آحاد مردم و تقویت قوه ادراکی آنان از این کارزار بسیار اهمیت پیدا می‌کند تا به تعبیر حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی دشمن نتواند جای شهید و جلاد را در اذهان مردم یا حداقل بخشی از آحاد جامعه عوض کند.

از یاد نبرده‌ایم که در اوج درگیری نظام مقدس اسلامی در جنگ تحمیلی ۸ ساله برخی با تحلیل‌های انحرافی خود روایتی از جنگ ارائه کردند که امام خمینی (ره) صراحتاً بر آنان تاختند و فرمودند: «...من در اینجا از مادران، پدران، خواهران، برادران، همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیل‌های غلط این روزها رسماً معذرت می‌خواهم.»^۲

امروز وقتی به سرنوشت آن تحلیل‌گران نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم آن تحلیل‌های غلط چگونه آنها را از قطار انقلاب پیاده کرد و بعضی حتی تبدیل به پیاده نظام دشمن برای مقابله با انقلاب اسلامی شدند.

در تحلیل و روایت حوادث و اغتشاشات اخیر نیز که با طرح و نقشه دشمن خیلی زود تبدیل به اقدامات تروریستی به سبک داعش شد باید مراقبت کنیم جامعه در معرض چنین تحلیل‌های غلط و انحرافی قرار نگیرد و در فهم مسائل اصلی و فرعی دچار خطا نشود و به تعبیری جای شهید و جلاد با هم عوض نشود. نوشتار حاضر می‌کوشد به صورت اجمالی به علل و ریشه‌های حوادث اخیر نظر بیفکند و نسبت به مخاطرات تحلیل‌های غلط و انحرافی در روایت این رویداد حساس و سرنوشت‌ساز برای کشور عزیزمان و نظام مقدس اسلامی هشدار دهد.

۱. دیدار روز میلاد امیرالمؤمنین (ع) و در سالگرد شهید سلیمانی ۱۴۰۴/۱۰/۱۳

۲. صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۲۸۴

علل و عوامل و ریشه‌های حوادث تروریستی دی ماه

ما در تحلیل علل و عوامل رخدادهای تأسف بار اخیر باید همزمان هم به علل و عوامل خارجی و هم علل و عوامل داخلی توجه نماییم. یکی از مخاطرات اصلی در روایت حوادث تروریستی اخیر تک بعدی نگاه کردن به ماجرا و غفلت از ابعاد پیچیده و چند لایه آن است.

بر این اساس می‌توان در تحلیل این علل و عوامل به به برخی از آنها به شرح زیر اشاره کرد:

۱- تغییر رویکرد آمریکا در زمینه به کارگیری روش‌های براندازی جمهوری اسلامی ایران

اولا باید این را باور کنیم به دلیل ماهیت انقلاب اسلامی، نظام سلطه جهانی هیچگاه از هدف براندازی این نظام عقب‌نشینی نکرده است. اگر در این مسیر فراز و فرودها و اخم‌ها و لبخندهایی هم مشاهده می‌شود همه در راستای شکست «ایران اسلامی» قابل ارزیابی است. بنابراین در این باره نباید دچار این خطای تحلیلی شد که مثلاً جمهوری خواهان با دموکرات‌ها فرق دارند و اوباما و بایدن از ترامپ بهترند. حل مشکلی به نام «انقلاب اسلامی ایران» دستور کار لابی صهیونیستی حاکم بر آمریکا است و هر یک از روسای جمهور نیل به این هدف را با روش خاصی در دستور کار قرار داده‌اند.

ثانیا اختلاف ترامپ با سایر روسای جمهور در براندازی انقلاب اسلامی ایران در این است که روسای جمهور قبلی تصور می‌کردند اگر برخی نقاط قوت نظام (مانند فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و یا صدور و فروش نفت و ...) ایران را مورد تهاجم قرار دهند جمهوری اسلامی شکست خواهد خورد. طرح مقابله آنان با جمهوری اسلامی برای براندازی بیشتر خطی و مبتنی بر «مهار» ایران و بعد وادار کردن ایران به «تغییر رفتار» و بعد «براندازی» بود.

اما ترامپ چه در دور اول ریاست جمهوری خود و چه در این دوره به دنبال گشودن جبهه‌های مختلف و عملیات چند لایه و پیچیده علیه انقلاب اسلامی و زدن ضربه آخر در اول کار است. بنابراین هم می‌خواهد با جمهوری اسلامی از طریق مزدورانش در کف خیابان بجنگد و هم با زیر پا گذاشتن همه قواعد بین‌المللی مستقیماً به اهداف استراتژیک ایران حمله نظامی کند و همزمان پرونده حقوق

بشری ایران را نیز مفتوح نگه دارد و ایران را در عرصه جهانی منزوی کند و از نظر اقتصادی نیز تمام راه‌های حیات اقتصادی جمهوری اسلامی را مسدود سازد و بر شدت تحریم‌های اقتصادی علیه ایران بیفزاید.

در کنار این‌ها باید به روانشناسی ترامپ هم اشاره کرد او فردی خودشیفته است که دوست می‌دارد قدرت خود را به عیان به رخ بکشد. این ویژگی باعث شده است در کنار همه مولفه‌های دشمنی با جمهوری اسلامی ایران، گستاخانه گزینه حمله نظامی را در دستور کار خود قرار دهد. او معتقد است از طریق ضربات سخت خواهد توانست مسئله جمهوری اسلامی را حل کند. همان طور که بارها خود اشاره کرده است که اقدام تروریستی‌اش در ترور شهید سلیمانی امنیت بیشتری برای اسرائیل تأمین کرده است. بر اساس همین پندار تصور می‌کند می‌تواند با حمله نظامی جمهوری اسلامی ایران را از پا درآورد.

اما در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه متوجه شد در این زمینه دچار خطای محاسباتی شده است. او به خوبی دریافت آنچه جمهوری اسلامی را آسیب‌ناپذیر می‌سازد پیوند ناگستنی مردم با نظام است که در وحدت مقدس ملت ایران در جنگ ۱۲ روزه به خوبی تجلی یافت.

آنها به دلیل درک ناصحیح از مردم و جامعه ایران بر این تصور بودند که حمله نظامی موجب فروپاشی سیاسی و نظامی ایران خواهد شد و مردم در مقابل نظام خواهند ایستاد و نظام را با چالش‌های بنیادین مواجه خواهند ساخت. اما مشاهده کردند در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه قضیه بر عکس شد و مردم پاسخ به تجاوزگری‌های آنان را با وحدت ملی حول ارزش‌های بنیادین جامعه یعنی اسلام و ایران دادند.

این حقیقت باعث شد آنها در استراتژی خود تجدید نظر کنند و اول اغتشاش و بعد حمله نظامی را در دستور کار قرار دهند.

نگاهی به اتفاقات قبل از حوادث اخیر نشان می‌دهد که آنها تلاش‌های بسیار زیادی برای جداسازی مردم از نظام انجام دادند. برخی از محورهای اقدامات دشمن در جنگ ترکیبی علیه جمهوری اسلامی را می‌توان چنین برشمرد:

◀ القای گزاره شکست جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و از دست دادن توانمندی‌های علمی و نظامی

«انکار و سانسور وحدت جامعه ایرانی به عنوان نقطه قوت نظام در خنثی‌سازی توطئه‌های آنان علیه جمهوری اسلامی ایران

«القای بی‌آیندگی و بن بست در اداره کشور

«ارائه تصویری شکست خورده از جمهوری اسلامی در منطقه با پرهزینه نشان دادن مقاومت برای ملت ایران و القای از بین رفتن جبهه مقاومت و از دست دادن عقبه راهبردی خود در منطقه

«انکار و بایکوت و سانسور پیشرفت‌های جمهوری اسلامی

همه اینها قرار بود بستری برای واگرایی مردم با نظام اسلامی ایجاد و زمینه را برای تحقق راهبرد «اول آشوب بعد حمله» فراهم کند.

برای همین رئیس جمهور آمریکا با شروع اغتشاشات اخیر که با نقشه قبلی خیلی زود جنبه تروریستی و مسلحانه پیدا کرد، علناً از آشوب‌گری‌های خشونت‌بار دفاع کرد و تلاش کرد خود را به عنوان مدافع مردم معرفی کند و به نوعی به پیاده نظام خود در میدان و کف خیابان روحیه بدهد. تا جایی که برخی از سیاستمداران غربی و مقامات رژیم منحوس صهیونیستی رسماً اعلام کردند در کنار تروریست‌ها در خیابان علیه نظام اسلامی می‌جنگند.

«موساد: «با هم به خیابان‌ها بیایید. وقتش رسیده. ما همراه شما هستیم.»

«مایک پمپئو، وزیر خارجه ترامپ در دور اول ریاست جمهوری: «ما در کنار مردمی که در خیابان‌ها در ایران حضور یافته‌اند ایستاده‌ایم؛ مأموران موساد اسرائیل هم در کنار آن‌ها هستند.»

«مایک والتز، نماینده آمریکا: «ما در کنار ایرانیان در خیابان‌های تهران و سراسر کشور ایستاده‌ایم.»

به نظر می‌رسد شروع اغتشاشات با حجم وسیع خشونت‌ها با هدف کشته‌سازی حداکثری از مردم و نیروهای حافظ امنیت بر اساس این تصور بود که آنها خواهند توانست ظرف مدت کوتاهی نظام را منفعل و از پا درآورند. وعده آشکار و وقیحانه ترامپ در باره حمله نظامی به ایران ناشی از همین خطای محاسباتی وی ارزیابی می‌شود.

بنابراین در تحلیل اقدامات دشمن نباید دچار ساده‌انگاری شد و آن را به

حمایت زبانی و سوء استفاده از بستر اعتراضات تقلیل داد. هر اظهار نظر ترامپ در حقیقت یک لایه جدید از این پروژه را قرار بود باز کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات مهمی که در ۲۷ دی ماه ۱۴۰۴ ایراد فرمودند به خوبی نقش آمریکا را به عنوان مجرم اصلی اقدامات تروریستی داعشی حوادث دی ماه ترسیم و اشاره کردند:

«در این فتنه این خصوصیت بود که شخص رئیس‌جمهور آمریکا، شخص خود او، در این فتنه دخالت کرد، حرف زد، اظهار نظر کرد، تهدید کرد، فتنه‌گران را تشویق کرد؛ پیغام داد از آمریکا به این کسانی که حالا بعد خواهیم گفت چه کسانی بودند، که بروید جلو، نترسید؛ گفت از شما حمایت میکنیم، حمایت نظامی میکنیم؛ یعنی خود رئیس‌جمهور آمریکا، وارد فتنه شد و جزو فتنه است... ما رئیس‌جمهور آمریکا را مجرم میدانیم؛ هم به خاطر تلفات، هم به خاطر خسارات، هم به خاطر تهمتی که به ملت ایران زد.»^۱

۲- تحمیل سیاست تعلیق به کشور بر اساس زنده نگه داشتن سایه جنگ و شروع مجدد حملات نظامی رژیم صهیونیستی

یکی از زمینه‌های اغتشاشات اخیر را باید در تحمیل گزاره «نه جنگ، نه صلح» پس از حملات تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی و آمریکای جنایتکار دانست. القای این گزاره کشور را پس از زخم‌هایی که از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه خورده بود در شرایط تعلیق نگه داشت و منجر به عدم تحرک مسئولان امر شد و علاوه بر این نوعی التهاب اجتماعی را در زیر پوست جامعه به وجود آورد.

به طوری که مهم‌ترین سئوالی که مردم پس از جنگ تحمیلی از یکدیگر و شخصیت‌های مختلف سیاسی و مسئولان می‌پرسیدند این بود که «آیا جنگ می‌شود؟»

خصوصاً این که پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه برخی جریان‌های سیاسی با ترجیح منافع حزبی و باندی خود بر منافع ملی، سطح انتظار از حاکمیت را در مقولات مختلف بالا بردند و در صدد القای این مطالبه بودند که باید نظام با برخی

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله و سلم) ۱۴۰۴/۱۰/۲۷

عقب نشینی‌ها از مواضع خود از ایستادگی مردم در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه قدردانی کند. آنان حتی با بزرگنمایی قدرت آمریکا و رژیم منحوس صهیونی که دستشان به خون مردم بیگناه این سرزمین آغشته شده بود نسخه سازش با آنان می‌پیچیدند و عملادر راستای خط تسلیم که آمریکایی‌ها آن را دنبال می‌کردند، قدم برداشتند. تحمیل چنین انتظاراتی که نظام عملاً فرصت و یا انگیزه اجرایی شدن آن‌ها را به دلیل حفظ مصالح و منافع ملی و یا زمان بر بودن انجام آنها نداشت، آرام آرام زمینه واگرایی‌ها از نظام را در لایه‌هایی از بدنه جامعه ایجاد کرد.

تأکید بر رفع فیلترینگ، حذف گزینش، آزادی حجاب از یک طرف و از طرف دیگر سخت‌گیری در امر حجاب، مذاکره با آمریکا، اصلاح کابینه و دامن زدن به جنگ قدرت در بین مسئولان عالی رتبه نظام و سران قوا و حتی اعتبارزدایی از آنان.... از سوی هر دو جناح مطرح کشور باعث شد روح و روان جامعه در معرض تلاطم‌های مختلف قرار گیرد و یک نوع خستگی اجتماعی را به جامعه تحمیل کند و برخی از مردم به غلط چنین پندارند که مشکلاتشان از سوی این نظام قابل حل نیست و تنها راه رفتن اینان است.

۳- تلاش برای فعال سازی اپوزیسیون نظام و گسترش دامنه تحرکات آنان از خارج به داخل

یکی از مسائل مهمی که باید در تحلیل حوادث اخیر مورد توجه قرار داد تغییر فاز عملکرد اپوزیسیون نظام از جنگ نرم به جنگ سخت بود. دشمنان انقلاب اسلامی که از تحرکات بی نتیجه اپوزیسیون در مقابله موثر با نظام اسلامی طرفی نبسته بودند این بار تلاش کردند اپوزیسیون را متشکل، مسلح و وارد میدان کنند.

یکی از ناکامی‌های آنان در فتنه‌های قبل این بود که برای انجام اقدامات ضد انقلابی علیه نظام دچار فقد رهبری بودند. این بار تلاش کردند با رهبر تراشی همه اپوزیسیون را وادار کنند که اختلافات خود را کنار گذاشته و رهبری فردی را بپذیرند که از کمترین اعتبار و وجاهت حتی نزد اپوزیسیون برخوردار نیست. آینده نشان خواهد داد که چقدر آنان در این رابطه دچار خطای محاسباتی شدند.

علاوه بر این برای آن که اپوزیسیون در میدان و کارزار در کف خیابان با جمهوری اسلامی از توانمندی برخوردار شود تلاش کردند حجم سنگینی سلاح و مهمات را وارد کشور کنند و افرادی که وظیفه سازماندهی و نقش آفرینی در اغتشاشات آینده را دارند را در قالب گروه‌های چند نفره تروریستی به ایران بفرستند و یا در

داخل افرادی را برای انجام چنین اقداماتی آموزش داده و آماده به کار نگه دارند. علی رغم تلاش‌های شبانه‌روزی دستگاه‌ها و نهادهای امنیتی برای شناسایی و دستگیری گروه‌های تروریستی و کشف و ضبط محموله‌های اسلحه متاسفانه به دلیل حجم بالای آنها بسیاری از این گروه‌ها وارد کشور شدند و اسلحه‌ها بین عوامل داخلی توزیع شد.

استفاده حداکثری از فضای مجازی برای اتصال عناصر اغتشاش‌گر و شبکه‌سازی از آنها از دیگر اقداماتی بود که به مسئولان برای وقوع یک آشوب سازماندهی شده و متفاوت از قبل با درصد خشونت بالا هشدار می‌داد. این گروه‌ها و تشکل‌های سازماندهی شده توسط لیدرهای مزدور چنان آماده بودند که با شروع اولین جرقه‌های اعتراض وارد میدان شده و اعتراضات را به آشوب و به تعبیر خودشان قیام مسلحانه علیه نظام بدل کنند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در همین زمینه فرمودند:

« یک دسته، یک جمعی که دستگاه‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل با دقت اینها را انتخاب کرده بودند، پیدا کرده بودند، اغلب را خارج کرده بودند، بعضی‌ها را هم در همین جا آموزش داده بودند که چه جوری حرکت کنید، چه جوری آتش بزنید، چه جوری ترس ایجاد کنید، چه جوری از دست پلیس فرار کنید؛ پول حسابی هم بهشان داده بودند؛ یک عده اینها بودند که اینها که سرده‌ای این جمعیت بودند، خودشان به خودشان میگویند لیدر؛ «ما لیدرهای این جماعت هستیم»؛ سرده‌ها؛ یک عده اینها بودند. »^۱

۴- بروز و ظهور سختی‌های بیشتر در مسائل معیشتی مردم، افزایش تورم و گرانی‌ها

این حقیقت که جامعه ایرانی امروز از حیث مشکلات اقتصادی دچار تنگی معیشت و تنگنای اقتصادی است مورد اذعان همگان است. دو رقمی بودن تورم و افزایش نرخ آن به ۵۰ درصد، زندگی عادی مردم را به شدت تحت تأثیر قرار داده و بار زندگی را برای بسیاری از اقشار جامعه سنگین و طاقت‌فرسا نموده است.

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) ۱۴۰۴/۱۰/۲۷

از سوی دیگر افزایش نرخ ارز و عدم مدیریت صحیح بازار ارز که منجر به نوسانات غیر قابل قبول آن شد، کسب و کارها را مختل و شرایط را برای صاحبان مشاغل و تولیدکنندگان غیر قابل تحمل ساخت. به طوری که پس از افزایش‌های دقیقه‌ای و ساعتی نرخ ارز بسیاری از آنان ادامه کسب و کار و استمرار خط تولید را غیر ممکن تشخیص و ترجیح دادند با تعطیلی کسب و کار خود نسبت به وضعیت پیش آمده اعتراض کنند که این اعتراضات زمینه و بهانه مناسبی برای دشمنان و مزدوران داخلی آنها فراهم کرد تا با سوار شدن روی موج اعتراضات به حق مردم جریان اعتراضات را به سمت اغتشاشات مسلحانه و اقدامات تروریستی تغییر دهند.

البته همان گونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی اشاره فرمودند نباید این حقیقت را از چشم دور داشت که بخش مهمی از مشکلات اقتصادی و مشکلات معیشتی که به مردم تحمیل شده است ناشی از اقدامات خصمانه دشمنان ما است اما علی‌رغم این مردم انتظار داشته و دارند مسئولان مشکلات را با قدرت حل کنند و این انتظار به جایی است.

۵- تصمیم‌های اقتصادی دولت مبتنی بر حذف ارز ترجیحی که در شرایط ناپایدار اجتماعی شوک جدیدی به جامعه وارد کرد.

در کورانی که جامعه درگیر اعتراضات بازاریان به دلیل نوسانات قیمت ارز و سکه و طلا بود دولت تصمیم گرفت با حذف ارز ترجیحی یارانه را از ابتدای زنجیره مصرف به انتهای آن یعنی مصرف‌کننده بدهد. این تصمیم به دلیل عدم پیوست رسانه‌ای و عدم توجه کامل مردم و همراه سازی همه بخش‌های حاکمیتی با آن شوک جدیدی به جامعه وارد آورد و به تعبیر برخی همچون بنزین بر آتش اعتراضات ریخته شد و زمینه‌های سوءاستفاده دشمن و پیاده‌نظام‌های داخلی آن را برای سوق دادن اعتراضات به اغتشاشات خونبار و خشونت‌آمیز فراهم کرد. اگر چه بعدها دولت و شخص ریاست محترم جمهور و برخی چهره‌های کابینه تلاش کردند با ارائه توضیحات بیشتر جامعه را آرام کنند اما در همان چند روز اول این تصمیم اثر منفی خود را بر جامعه گذاشت.

۶- برجسته شدن برخی ناکارآمدی‌ها در اداره جامعه توسط مسئولان و تشدید دو قطبی‌ها در عرصه سیاسی

واقعیت این است که ما در اداره جامعه با برخی ناکارآمدی‌ها، قصور و تقصیر در

انجام تکالیف و فقد روحیه جهادی در برخی مسئولان امر مواجه هستیم. این واقعیت باعث شده است موضوع تنازعات داخلی پررنگ‌تر از مسئله درگیری‌های گسترده‌ای که هم اکنون نظام با جبهه وسیع استکبار دارد، بشود.

تنازعات داخلی جامعه را فرسوده و دچار کج‌فهمی در باره ریشه مشکلات می‌کند. ضمن آن‌که آرام‌آرام باعث سلب اعتماد عمومی از مسئولان می‌شود و مردم با عبور از همه خط و خطوط سیاسی نسبت به همه آنها دچار واگرایی می‌شوند و نوعی سرگردانی و خود مرجعیتی در عرصه سیاسی به وجود می‌آید که در بزنگاه‌ها نخواهند توانست درست تصمیم بگیرند و بر هدف اصلی متمرکز شوند.

خصوصاً جامعه‌ای که در معرض جنگ ترکیبی دشمن است خیلی بیشتر از این تنازعات آسیب خواهد دید و قدرت ادراکی خود را از دست خواهد داد.

مروری بر عملکرد چهره‌ها و جریان‌های سیاسی پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه به خوبی نشان می‌دهد که کمترین نتیجه این تنازعات ایجاد غفلت از دشمن اصلی و برهم زدن وحدت ملی به عنوان سپر پولادین ملت و نظام در مقابل دشمنان، بوده است.

در ادامه به طور مجزا به برخی از اقدامات ناصواب دو جناح مطرح سیاسی در همین رابطه اشاره می‌شود:

★ (الف) جریان اصلاحات

این که جریان اصلاحات شرایط شکننده جامعه را فرصت مناسبی برای انتقام‌گیری از نظام مغتنم بشمارد و با ساده اندیشی نسبت به اقدامات دشمن، دشمنی‌های آنها را به عملکرد نظام و سیاست‌ها و مواضع اصولی نظام ربط بدهد قطعاً یک خطای نابخشودنی است. برخی از چهره‌ها و رسانه‌های این جریان همین خط را در تحلیل جنگ ۱۲ روزه تعقیب کردند که آثارش را امروز در برخی از احاد جامعه می‌بینیم که به جای رژیم صهیونیستی به جمهوری اسلامی سنگ می‌زنند. آنها باید بدانند این نشانی غلطی که از علل و عوامل دشمنی‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌دهند تنها جمهوری اسلامی را کانون تهاجم قرار نمی‌دهد بلکه دیر یا زود دامن خود آنها را نیز خواهد گرفت. در حقیقت آنها باید بدانند بر سر شاخه نشسته و بن می‌برند.

این اشتباه و خطای استراتژیک را دوباره آنان در تحلیل اغتشاشات اخیر مرتکب شدند و نتوانستند به مخاطبان خود و جامعه معیار درستی برای تفکیک

اعتراض از اغتشاش که این بار رنگ تروریستی هم گرفته بود، بدهند. مروری بر حوادث گذشته نشان می‌دهد مواضع بی طرف و یا دو پهلو غالباً توسط دشمن علیه نظام مصادره می‌شود و خواسته یا ناخواسته به عنصر مخرب و مضر برای اقدامات علیه نظام جرأت و شهامت می‌بخشد.

در این حوادث نیز متأسفانه علی رغم این که برخی از چهره‌های منتسب به این جریان مواضع خوبی در محکومیت اقدامات تروریستی مزدوران آمریکایی- صهیونی علیه ملت ایران و حافظان امنیت اتخاذ کرده‌اند در همین چند روز گذشته شاهد بودیم برخی از چهره‌ها و رسانه‌های آنان همچنان خط متهم‌سازی نظام را در پیش گرفته و برخی از آنان حتی از کمترین تعرض به تروریست‌های داعشی خودداری کرده‌اند و یا با مواضع دو پهلو و کنار هم نشانیدن تروریست‌های داعشی و نظام در بیانیه‌های خود علناً آب به آسیاب دشمن ریخته‌اند. این در حالی است که در چنین شرایط حساسی باید نخبگان سیاسی بدانند در چنین بیانیه‌ها و تولیدات رسانه‌ای باید دشمن قاطعانه مورد تهاجم قرار گیرد و اگر نقد و اعتراضی هم هست به شکل دیگر و مستقلاً بیان شود. آنها باید بدانند این مواضع چراغ سبز به دشمن و مزدوران تروریست مسلح برای هر چه بیشتر به جان مردم افتادن نشان می‌دهد تا جایی که آنان را چنان جری می‌کند که از راه انداختن حمام خون در ایران خبر می‌دهند.

در چنین شرایطی عقلای این جریان باید مردانه پا به میدان بگذارند و بدون هر ملاحظه و مصلحت اندیشی‌ای این خط را کور کنند. امروز وقت لگد زدن به نظام نیست. امروز وقت امتیاز گرفتن از نظام نیست. امروز سرنوشت ملت ایران و نظام اسلامی برآمده از خون هزاران انسان شریف از جمله مردم مظلوم و مدافعان امنیت که در این اقدامات تروریستی به شهادت رسیده‌اند، در هم گره خورده است. هر کوتاهی و قصوری در انجام وظایف ملی و اسلامی که منجر به تشجیع دشمن، تطهیر اواز این جنایات فراموش نشدنی و نابخشودنی شود، خیانتی آشکار در حق ایران عزیز اسلامی‌مان است که می‌خواهد سرافراز و سربلند از آرمان‌هایش دفاع کند و تسلیم بیگانگان نشود.

باید عقلای این جریان بدانند که اگر با اطلاعات ناقص و درک ناصحیح از عملیات پیچیده دشمن مواضعی بگیرند که کلیت این جریان را متهم به همسویی با دشمن کند حیثیت این جریان سیاسی لکه دار خواهد شد و باعث می‌شود در

افکار عمومی این جریان در کنار تروریست‌ها و حامیان آنها و همدل و هم‌رأی با آمریکای جنایتکار و رژیم منحوس صهیونیستی گذاشته شود. باید بزرگان و چهره‌های شاخص اصلاحات مراقبت کنند چنین کارنامه مشترکی با دشمنان قسم خورده ملت پیدا نکنند.

★ (ب) اصول‌گرایان

خطر تحلیل غلط و انحرافی از حوادث اخیر تنها متوجه اصلاح‌طلبان نیست بلکه اصول‌گرایان نیز در معرض چنین خطری هستند. متأسفانه برخی از چهره‌ها و عناصر جریان اصول‌گرایی منتسب به تشکل‌های مختلف این جریان با تحلیل غلط درصددند دولت پزشک‌یان را عامل اغتشاشات و اقدامات تروریستی اخیر معرفی کنند.

نتیجه این اقدام آنان آیا جز تطهیر آمریکا و رژیم صهیونیستی مگر چیز دیگری خواهد بود؟ چرا باید با تحلیل نادرست، نشانی غلط به مردم داد. آیا وحدت ملت ایران در مقابل آمریکا می‌تواند استحکام بیشتری داشته باشد یا در مقابل پزشک‌یان و دولت چهاردهم.

این عناصر در جریان اصول‌گرایی باید به این فهم درست رسیده باشند که مهم‌ترین هدف آمریکای جنایتکار و خواسته اصلی رژیم صهیونی فروپاشی جمهوری اسلامی ایران است. اگر آنها به این هدف باور داشته باشند با کمی هوش سیاسی متوجه خواهند شد که این هدف تنها در کف خیابان قابل تحقق نیست بلکه مقدمه‌ای نیاز دارد و آن فروپاشی سیاسی است.

امروز هر اقدامی در تضعیف دولت علی‌رغم همه اشکالاتی که ممکن است به آن وارد باشد اقدامی در راستای بی‌دولت‌سازی جمهوری اسلامی و فروپاشی سیاسی و فراهم ساختن زمینه برای فروپاشی نظام محسوب می‌شود.

بله اگر دولت ضعیف است باید تقویت شود. امروز همه مدعیان فهم سیاسی باید برای قدرت‌گیری هر چه بیشتر دولت برای برداشتن بار جامعه به کمک دولت بروند و طرح و برنامه و راهکارهای حل مشکلات را در اختیار دولت قرار دهند و فرماندهی او را در اداره امور اجرایی کشور به رسمیت بشناسند و به لوازم آن خود را ملتزم نمایند.

دستگاه‌های امنیتی و قضایی هم باید نقش خود را ایفا کنند و بدون هرگونه

ایجاد تنش در جامعه با افراد نفوذی و افرادی که در انجام وظایف خود عامدانه کوتاهی کرده و مشکلاتی برای مردم فراهم کرده‌اند بدون هرگونه شائبه سیاسی و صرفاً در راستای منافع ملی و مصالح نظام، برخورد مناسب کنند.

این که همه دولت را نفوذی و همه را فاقد صلاحیت معرفی کنیم دردی از مشکل مردم را درمان نمی‌کند. از این خیال و توهم باید فاصله گرفت که اگر ما رقیب را زدیم مردم به جای رقیب با ما رفیق می‌شوند. امروز هر اقدامی در این رابطه آرامش مردم را خواهد گرفت و اضطراب ملت مظلوم و مقتدر ایران اسلامی را بیشتر خواهد کرد.

باید عقلای این جریان به خوبی مراقب باشند تا نگذارند در مسیر خدمت‌رسانی قوه اجرایی کشور به مردم وقفه‌ای ایجاد شود و بدانند امروز وقت مناسبی برای پررنگ کردن تنازعات سیاسی نیست. چه تنازعات سیاسی با دولت و چه با دیگر قوای کشور که باید از کیان نظام اسلامی در برابر دشمنان دفاع کنند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در همین زمینه فرمودند:

« من از اینکه به رؤسای کشور، به رئیس‌جمهور و دیگران در یک چنین شرایط مهم بین‌المللی و داخلی اهانت بشود، بشدت پرهیز میکنم و نمیگذارم و منع میکنم، نهی میکنم کسانی را؛ حالا ممکن است در مجلس باشد، ممکن است بیرون مجلس باشد، ممکن است هر جا باشد. قدر اینها را ما بدانیم؛ قدر مسئولینی که وقتی یک چنین حادثه‌ای برای کشور پیش می‌آید، از مردم کناره نمیگیرند. گاهی ما در گذشته داشته‌ایم که مردم وسط میدان بودند، مسئولین تماشا میکردند، گاهی هم علیه مردم یک حرفی میزدند. این دفعه، نخیر، مسئولین در کنار مردم بودند، در بین مردم بودند، با مردم حرکت کردند، با همان هدف تلاش کردند، کار کردند. این باید قدرشناسی بشود؛ این خیلی مهم است. توصیه‌ی مؤکد من نسبت به شخص رئیس‌جمهور و مسئولین قوا، رؤسای دیگر قوا و رؤسای فعال کشور است؛ بگذارید اینها کارشان را بکنند، تلاششان را بکنند و خدمت بزرگی را که بر عهده دارند انجام بدهند. »^۱

۱. بیانات در دیدار افشار مختلف مردم در سالروز مبعث پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله و سلم) ۱۴۰۴/۱۰/۲۲

سناریوی های آینده و تکالیف ما

این سؤال جدی مطرح است که آینده این اقدامات وحشی گرانه تروریست های داعشی مسلک تحت حمایت آمریکا و رژیم صهیونیستی چیست؟

در پاسخ باید گفت نوع این اقدامات تروریستی و تهاجم پیچیده و چند لایه دشمن نشان می دهد این اقدامات مبتنی بر یک طرح و نقشه با برنامه ریزی دقیق برای آزمودن شانس خود برای براندازی نظام بوده است و دشمن در این عملیات ترکیبی و پیچیده عنصر زمان را مورد توجه قرار داده است.

با این توضیح که اگر امکان پذیر باشد با افزایش شدت خشونت ها و انجام اقدامات تروریستی از جنس اقدامات داعش در سوریه در کمترین زمان هدف فروپاشی محقق شود.

اما اگر این هدف در کوتاه مدت محقق نشد باید بستر تحقق آن را در بستر زمان همچنان زنده نگه داشت.

لذا با تحلیل اقدامات مقابله ای جمهوری اسلامی در فتنه های گذشته تلاش دارند اگر موفقیت در کوتاه مدت میسر نشد اقدامات تروریستی خود را به شکل مستمر با هدف فلج کردن دستگاه های امنیتی و نظامی و انتظامی و خسته کردن مردم و اعتبارزدایی هر چه بیشتر از نظام در افکار عمومی ایران و جهان ادامه دهند و فشارهای اقتصادی و دیپلماتیک و سیاسی را بر جمهوری اسلامی افزایش دهند. ضمن این که جنس اقدامات خشونت بار اخیر و افزایش تعداد کشته شدگان پتانسیل اعتراضی و خشم را همچنان در برابر جمهوری اسلامی تا مدت ها زنده نگاه می دارد و آنها را به طمع می اندازد که از این پتانسیل برای رسیدن به مقاصد شوم خود استفاده کنند.

آنچه در محاسبه آنها نمی گنجد و می تواند معادله را به نفع ملت ایران و نظام اسلامی تغییر دهد حضور مردم در صحنه و حفظ انگیزه های دفاع از نظام اسلامی در آنان است. همچنان که خورشید این حقیقت بر آسمان ایران در ۲۲ دی ماه نورافشانی کرد و ملت ایران نشان داد با اتحاد و ایستادگی و دلبستگی با رهبر حکیم انقلاب می تواند همچون گذشته کمر فتنه را بشکند و شکست.

این راه همچنان باید پیموده شود. برای آن که دشمن نتواند مجددا کمر راست کند باید به لوازم این راه پای بند بود یعنی باید:

«در شناخت دشمنان و شناخت روش‌های دشمنی آنها دچار خطا نشد. دشمن همچنان باید متهم و مجرم اصلی خیانت و جنایت علیه ملت ایران معرفی شود و در یادها بماند.

«مردم مقاومت کنند و دائماً به انحای گوناگون در صحنه حضور داشته باشند.

«وحدت را حول ارزش‌های بنیادین جامعه ایرانی (در هم آمیختگی مذهب و ملیت) پاس بدارند.

«جریان‌های سیاسی با عقلانیت عمل کنند و برای مدتی تنازعات سیاسی بی حاصل را کنار بگذارند.

«مسئولان با انگیزه و اراده در صحنه اداره کشور کار و تلاش کنند و نگذارند در روند زندگی عادی مردم خللی پیش بیاید و نتیجه کار و تلاششان را مردم حس کنند و با مردم بیشتر و صمیمانه‌تر گفتگو کنند.

«دستگاه‌های امنیتی، نظامی و انتظامی با اقتدار در برابر اقدامات دشمن بایستند و ترفندهای آنها را خنثی کنند.

نسخه و راه برون رفت از این شرایط همچنان عمل به تکالیف هفتگانه‌ای است که رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از جنگ ۱۲ روزه برای ملت ایران برای تحقق راهبرد «ایران قوی» تعیین کردند و همچنین تلاش برای تحقق «عدالت» و «تقوا» در سیره علوی و مرد میدان بودن همچون شهید حاج قاسم سلیمانی که شخصیتش مزین به سه خصوصیت والا یعنی ایمان و اخلاص و عمل بود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به مناسبت چهلمین روز شهادت شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه فرمودند:

«شکوه پایداری معجزه آسای ملت ایران که در اتحاد و استحکام

روحی و عزم راسخ آنان بر ایستادگی یکپارچه در میدان به ظهور

رسید. ایران اسلامی در این حادثه یک بار دیگر استواری بنیان خود را

نشان داد. دشمنان ایران آهن سرد میکوبند.

ایران اسلامی به توفیق الهی روز به روز قویتر خواهد شد باذن الله.

مهم آن است که ما از این حقیقت، و از تکلیفی که از سوی آن بردوش ماست غفلت نکنیم.

- ۱- حفظ اتحاد ملی وظیفه‌ی یکایک ما است.
- ۲- شتاب لازم در پیشرفت دانش و فناوری در همه‌ی بخش‌ها وظیفه‌ی نخبگان علمی است.
- ۳- حفظ عزت و آبروی کشور و ملت، تکلیف بی‌اغماض گویندگان و قلم‌زنان است.
- ۴- مجهز کردن روزافزون کشور با ابزارهای حراست از امنیت و استقلال ملی، وظیفه‌ی فرماندهان نظامی است.
- ۵- جدیت و پیگیری و به نتیجه رساندن کارهای کشور وظیفه‌ی همه‌ی دستگاه‌های مسئول اجرائی است.
- ۶- هدایت معنوی و نورانی کردن دلها و توصیه به صبر و سکینه و ثبات مردمی وظیفه‌ی حضرات روحانی است.
- ۷- و حفظ شور و شوق و شعور انقلابی وظیفه‌ی یکایک ما و بویژه جوانان است.^۱

همچنین ایشان در بیاناتی در ۱۳ دی امسال فرمودند:

«سلیمانی مرد ایمان و اخلاص و عمل بود... مرد ایمان بود؛ یعنی به کاری که میکرد ایمان داشت؛ به هدفی که برای آن هدف تلاش میکرد، از اعماق قلب ایمان داشت؛ به خدا و حمایت الهی ایمان داشت؛ مرد ایمان بود. مرد اخلاص بود؛ برای خوش‌نامی و تعریف شدن و در بین مردم وجهه پیدا کردن کار نمیکرد؛ مخلصاً لِلّٰه تعالی، مخلصاً لِلهدف تلاش میکرد و کار میکرد. و مرد عمل بود... هر جایی که احساس میکرد وجود او لازم است، آنجا حاضر بود؛ چه در حفظ و هدایت حرکت انقلاب در کرمان، چه در مقابله‌ی با مهاجمین ظالم و ستمگر در آن منطقه، چه در نیروی قدس، چه در دفاع از حرم، چه در مقابله‌ی با داعش. مرد عمل بود.»

۱. پیام خطاب به ملت ایران به مناسبت چهلمین روز شهادت جمعی از هم‌میهنان، سرداران نظامی و دانشمندان هسته‌ای ۱۴۰۴/۵/۳

«امیرالمؤمنین عدالت را چه جوری اعمال میکرد؟ ... گاهی با دستان نوازشگر، با خدمت به ضعفا... گاهی عدالت را با ذوالفقار اعمال میکرد... گاهی با زبان رسا و حکمت... یعنی هم با مهربانی، هم با خشونت الهی و تعصب دین، هم با بیان رسا و حکمت و تبیین....

اما تقوا؛ تقوا را چه جوری اعمال میکرد؟ تقوا را گاهی در محراب عبادت اعمال میکرد... گاهی تقوا را با صبر و سکوت برای حفظ اتفاق مسلمین اعمال میکرد... در یک جاهایی تقوای آن بزرگوار با سینه سپر کردن در مقابل حوادث شدید ظاهر میشد، مثل لیلۃ المیت ... در حنین تقوا نشان داد، ایستاد؛ در خیبر تقوا نشان داد، دشمن را زمین گیر کرد؛ در اغلب غزوات پیغمبر پیشرو بود؛ [اینها هم] تقوا بود. تقوا فقط در محراب عبادت نیست؛ در میدان جنگ هم تقوا است که انسان را نگه میدارد، حفظ میکند، پیش میبرد؛ [لذا امیرالمؤمنین] در مقابل دشمن سینه سپر میکرد... ما امروز در کشورمان، در جامعه مان، هم به عدالت نیاز داریم، هم به تقوا. هم تقوای آحاد مردم و هم بخصوص تقوای مسئولان کشور؛ به این نیاز داریم، این باید تحقق کامل پیدا کند.... عواملی جلوی تقوای ما را میگیرند؛ گاهی میترسیم، گاهی تردید میکنیم در مبانی خودمان، گاهی ملاحظه‌ی رفاقتها را میکنیم، گاهی ملاحظه‌ی دشمن را میکنیم؛ اینها باید برود کنار، اینها نباید باشد. بایستی بدون ملاحظه - ملاحظه‌ی بی‌مورد - به سمت برنامه‌ی عدالت‌آور و برنامه‌ای که تقوا را توسعه بدهد، حرکت کرد.»^۱

آنچه به دشمن در جنگ نرم و جنگ شناختی کمک می‌کند تزریق تحلیل‌ها و روایت‌های غلط، بعضاً انحرافی و چه بسا مغرضانه از میدان کارزار انقلاب اسلامی با دشمنان قسم خورده ملت ایران است.

بر این اساس تقویت بنیه تحلیل‌آحاد مردم و تقویت قوه ادراکی آنان از این کارزار بسیار اهمیت پیدا می‌کند تا به تعبیر حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی دشمن نتواند جای شهید و جلا را در اذهان مردم یا حداقل بخشی از آحاد جامعه عوض کند.

مرکز
مطالعات
راهبردی
تسنیم

تس
حیدرکرانی
Tasnim
News Agency

گزارش‌های سبز